

ارائه شده توسط

لینگو لرن | Lingo Learn

برترین ارائه دهنده خدمات کمک آموزشی کانون زبان شامل: سوال و
سامری، دیکشنری کانون، آموزش های رایگان و کاربردی و...

 LingoLearn_official

 LingoLearn

{هرگونه کپی برداری بدون ذکر نام صاحب اثر شرعا و قانونا حرام و قابل پیگیری می باشد.}

Advance3

Unit1

Maintaining their identity

حفظ هویت شان

Rebea Murtzaz is a 17-year-old high-school student who wears a teenager's uniform of blouse, jeans and **Birkenstock** sandals-but with a difference. A **devout** Muslim, Ms. Murtaza never goes out in public without her hijab, a scarf that covers her head and shoulders.

Rebea Murtzaz یک دانش آموز دبیرستانی ۱۷ ساله است که لباس فرم یه نوجوان که شامل بلوز، شلوار جین و صندل های Birkenstock هست را میپوشد، اما به گونه ای متفاوت. یک مسلمان معتقد، خانم Murtaza هرگز در ملاء عام بدون حجابش که شامل یک روسری هست که رو شانه هاش را پوشش میدهد، بیرون نمیرود.

Last year, the Grade 12 student decided she wanted to observe hijab, the **canon law** of Islam that **dictates** that once a woman reaches **puberty**, every part of her body except her face, hands and feet must be covered. Emotionally, Ms. Murtaza was prepared to **cloak** her body and lower her gaze when in the company of men.

سال گذشته، دانش آموز کلاس ۱۲ تصمیم به رعایت حجاب گرفت، قانون شرع اسلام حکم می کند که وقتی که یک زن به سن بلوغ می رسد، هر قسمتی از بدن او به جز صورت او، دست و پا باید

پوشیده شود. احساسا، خانم Murtaza آماده بود تا در حضور مردان بدنش را بپوشاند و نگاهش را پایین بیندازد.

Still the reaction from her peers in Grade 11 shocked her. "I was in the hallway and people would say, 'She's a **weirdo**," said Ms. Murtaza, a student at Earl Haig Secondary School in the Metro Toronto **municipality** of North York. "It hurt. I don't like being thought of as a freak or different or weird."

در حالی که عکس العمل هم سن و سالاش در کلاس ۱۱ او را شوکه کرد. "من در راهرو بودم و بقیه می گفتند: "اون عجیب و غریبه." خانم Murtaza، دانشجوی دوره متوسطه در Earl Haig در شهر مترو تورنتو شمالی نیویورک، گفت: "درد آورده، من دوست ندارم که به عنوان یک آدم غیرعادی و یا متفاوت و یا عجیب و غریب تصور بشم"

Ms. Murtaza is among a small but growing number of young Muslim women in Toronto's Islamic community of 105,000 who have found the call of Islam and the commitment to wear hijab **irresistible**. According to Statistics Canada **census** information, in 1991 there were about 253,000 Muslims in Canada, with the majority, 145,000, settled in Ontario.

خانم Murtaza جزء تعداد اندکی اما رو به رشد، از زنان جوان مسلمان در جامعه اسلامی ۱۰۵ هزار نفری است که خواستار اسلام و متعهد به پوشیدن سرسخت حجاب شده اند. طبق آمار، اطلاعات سرشماری کانادا، در سال ۱۹۹۱، حدود ۲۵۳۰۰۰ مسلمان در کانادا وجود داشتند و اکثریت ۱۴۵،۰۰۰ نفر در انتاریو مستقر شدند.

With more and more Muslim immigrants choosing Ontario as their new home (statistics show that last year, 2,500 immigrants came from Somalia, 2,500 from Iran, 2,600 from Pakistan and 2,000 from Iraq), young Muslims who grew up in Canada feel **emboldened** by the growing number of their **co-religionists** and are increasingly comfortable expressing their **emerging** identity.

با تعداد رو به افزایش مهاجران مسلمان که انتاریو رو به عنوان خانه جدید خود انتخاب می کنند (آمارها نشان می دهند که در سال گذشته، ۲۵۰۰ مهاجر از سومالی، ۲۵۰۰ نفر از ایران، ۲۶۰۰ نفر از پاکستان و ۲ هزار نفر از عراق آمدند)، مسلمانان جوان که در کانادا بزرگ شده اند، بوسیله ی تعدادی از هم‌تایان مذهبی خود جرات پیدا کرده و رفته رفته راحت هویت ایجاد شده ی خود را بیان می کنند.

"Wearing hijab is my way of saying, 'I'm Muslim and a Canadian'" said Ms. Murtaza, who, with three classmates who also are "new hijabis," persuaded school officials to **designate** a classroom where they could pray during school hours. "Being Canadian means making your own choices and choosing your own lifestyle." It's not about doing what your parents or peers want, but doing what you feel is right, she said. She explained that modesty is prescribed in two verses in the Koran. One says, "Say to the believing men that they should lower their gaze and guard their modesty: that will make for greater purity for them." In a later verse, the same instructions are directed toward Muslim women:

"پوشیدن حجاب یه راهی هست که بگم، من مسلمان و کانادایی هستم" به گفته خانم Murtaza، که، با سه هم‌کلاسی هایی که آنها هم جدیداً محجبه شدند، مسئولین مدرسه را متقاعد کردند که

یک کلاس را اختصاص بدهند که آنجا آنها بتوانند در ساعت های مدرسه دعا و نماز بخوانند. او می گوید "کانادایی بودن به معنی گرفتن تصمیمات خود و انتخاب شیوه ی زندگی خود است." این به معنی انجام دادن آنچه پدر و مادر و یا همسالان خود می خواهند نیست، بلکه انجام دادن آنچه شما احساس می کنید درست است. او توضیح داد که شرم و حیا در دو آیه در قرآن تعریف شده است.

"O Prophet! Tell thy wives and daughters, and the believing women, that they should cast their **outer garments** over their persons when out of doors." Over the centuries, the concept of hijab--meaning literally "curtain," requiring both men and women to be modest and **chaste**--has evolved into the long flowing **robes** and **head-dresses** worn by many Muslims today.

یکی می گوید به مومنان بگو که آنها باید نگاهشان را پایین بیاورند و از پاکدامنی شان محافظت کنند، آن برای آنها خلوص بیشتری به ارغان می آورد. "در یک آیه بعد، همان فرمان نسبت به زنان مسلمان دستور داده: "ای پیامبر! به همسران و دخترانت و به زنان با ایمان بگو، زمان بیرون از خانه، جامه های بیرونی شان را روی تن شان بیاندازند. طوری که بدنشان مشخص نشود. در طول قرن ها، مفهوم حجاب - به معنای واقعی کلمه "پرده" نیاز هر دو، مردان و زنان هست که باحیا و پاکدامن بشوند - جامه بلند و گشاد آویخته و روسری هایی که امروزه توسط بسیاری از مسلمانان پوشیده میشه، به تدریج تکامل پیدا کرده است.

Yasmin Zine, 31, a master's student at the Ontario Institute for Studies in Education in Toronto, whose research thesis explores how immigrant women negotiate and **reconstruct** their identity when they **land in** a new culture, says she is increasingly encountering hijabis who are young and university educated

and who have chosen to cover up after studying Islam extensively. By rejecting Western **norms** and conventions that have dominated their lives, Muslim women are able to create a new identity for themselves, Mrs. Zine said.

یاسمین زین، ۳۱، دانشجوی کارشناسی ارشد در موسسه مطالعات آموزش و پرورش انتاریو در تورنتو، که در پایان نامه تحقیقاتی اش بررسی می کند که چگونه زنان مهاجر وقتی وارد یک فرهنگ جدید می شوند، هویت خود را بازسازی و مذاکره می کنند. می گوید که او رفته رفته با زنان جوان و تحصیل کرده مواجه شده که آنها بعد از مطالعه اسلام به طور گسترده ای حجاب را انتخاب کرده اند. خانم زین گفت که با رد هنجارها و آداب و رسوم غربی که بر زندگی آنها غالب شده است، زنان مسلمان قادر به ایجاد یک هویت جدید برای خود هستند.

They are fighting a culture that is not consistent with Islamic ideals, and are asking that they be judged by their spiritual, rather than physical, characteristics. Mrs. Zine said they are saying, "We realize there is a dominant culture in Canada, but we don't have to be part of it." At the same time, they have to contend with hostile stares and cruel comments from people who consider their dress an **odddity**.

آنها در تقلا با یک فرهنگ هستند که با آرمان های اسلامی سازگار نیست و می خواهند با ویژگی های معنوی خود بجای ویژگی های جسمی مورد قضاوت قرار بگیرند. خانم زین گفت که آنها می گویند: "ما متوجه هستیم که فرهنگ برتر در کانادا وجود دارد، اما ما مجبور نیستیم بخشی از آن باشیم." ضمناً، آنها باید از نگاه های خیره ی ناخوشایند و نظرات دردآور افرادی که لباس شان را عجیب و غریب در نظر می گیرند، مقابله کنند.

Sajidah Kutty's life was a roller-coaster ride from the day she started wearing *hijab* in Grade 6. When she came to school wrapped in a scarf and **baggy**, shapeless clothing, her friends, seeing her in the hallway, ignored her and walked by without a word. "I lost a lot of friends because of it," she said. "I came to expect more looks, more **name-calling**. Mostly 'Paki.'"

زندگی ساجده کوتی از روزی که او شروع به پوشیدن حجاب در کلاس ۶ام کرد، پرفراز و نشیب شد. هنگامی که او با روسری و لباس بی شکل و بدقواره به مدرسه آمد، دوستانش که او را در راهرو دیدند، او را نادیده گرفتند و بدون هیچ کلمه ای رد شدند. او گفت که "من بسیاری از دوستان را بخاطر این از دست دادم" من یاد گرفتم انتظار نگاه بیشتر، دشنام بیشتر داشتم که اغلب پاکی (مخفف پاکستانی) بود و میگفتند را داشته باشم."

Ms. Kutty, 22, now amass communications and creative writing student at York University in Toronto, feels that today's hijabis definitely have it easier because there are more of them. "There's such an increase in it now," she said, gesturing toward the five women seated at a table with her in the basement of the Islamic Foundation in Scarborough. They are among the **burgeoning** number of young hijabis who choose to attend Friday-night study sessions at the mosque instead of partying with their peers.

حالا خانم کوتی ۲۲ ساله، یک دانشجوی با ارتباطات زیاد و خلاق در فن نویسندگی در دانشگاه یورک در تورنتو، گفت حس می کند که خانم های محجبه ی امروزی به خاطر تعداد بیشترشان راحت تر حجاب دارند. او گفت "اکنون در حال افزایش هست" و به سمت پنج خانم که دور یک میز در زیرزمین بنیاد اسلامی در اسکاربورگ نشسته بودند اشاره کرد. آنها جزء تعداد رو به رشدی از خانم های جوان محجبه هستند که شرکت در جلسه های درس شب جمعه در مسجد را به جای

شرکت در مهمانی با همسالان خود انتخاب می کنند.

Ms. Kutty **attributes** the increased interest in Islam and **subsequent** observance of hijab to the war in the Persian Gulf. She said young secular Muslims were shaken into self-examination by the **backlash** against Muslim fundamentalists. In looking at the source of **discrimination**, "we discovered our own faith. We discovered we were different, but it made us stronger. So we banded together." In doing so, these young Muslims have begun to analyze the Koran and to attend religious discussions. One discovery was that many of their parents' habits, which they thought were **prompted** by religious observance, are actually cultural in origin.

خانم کوتی میگوید که علاقه ی افزایش یافته به اسلام و پس از آن رعایت حجاب به خاطر جنگ در خلیج فارس است. او گفت که مسلمانان غیر مذهبی جوان نسبت به شناختن خودشان، به خاطر واکنش شدید علیه بنیادگران مسلمان، سست و متزلزل شدند. در نگاه به منشاء این تبعیض، "ما ایمان خودمون رو فهمیدیم. ما فهمیدیم که متفاوت بودیم، لیکن باعث شد که ما قوی تر بشیم. در نتیجه باهم متحد شدیم." به این ترتیب، این مسلمانان جوان شروع به تجزیه و تحلیل قرآن و شرکت در بحث ها و مباحث دینی می کنند تا چیزی جدید از آن کشف کنند. یک یافته میگوید که بسیاری از عادت های والدین، که آنها فکر می کنند که به واسطه ی رسوم مذهبی برانگیخته می شوند در واقع منشا فرهنگی دارند.

For instance, an Islamic marriage is made through a contract that is confirmed when the bride receives a **dowry**, called mahr, from the groom. Mahr is for the bride's **exclusive** use in case her husband dies, or if they are divorced or there is an emergency. In India and Pakistan, the bride receives mahr, but she is also

expected to provide her jahez — which consists of the bride's clothing, jewelry and other possessions, as well as gifts for the groom and his family.

به عنوان مثال، یک ازدواج اسلامی از طریق یک قراردادی که عروس پول یا دارایی ای که مهریه نامیده میشود، از داماد دریافت می کند، انجام می شود. مهریه منحصر به عروس است و در موردی که شوهرش فوت کند، یا اگر طلاق بگیرند و یا یک مورد اضطراری باشد، استفاده میشود. در هندوستان و پاکستان، عروس مهریه دریافت می کند، اما از عروس انتظار دارند که جهیزیه، که شامل لباس، جواهرات و دیگر دارایی های دیگر عروس، به علاوه هدایایی برای داماد و خانواده ی داماد است را هم تهیه کند.

The tradition of the jahez is not Islamic, but is rooted in Indian, and more specifically Hindu, culture. New hijabis reject the jahez because they feel it places a burden on the bride to shower the groom with expensive gifts. Hina Khan, 20, a member of the Scarborough mosque's youth group, said that ultimately, she rejects Pakistani culture. "I have to follow the Islamic culture."

سنت جهیزیه اسلامی نیست، مشتق شده از هندوستان و خصوصا بیشتر از فرهنگ پیروان آیین هندو، است. جدیدا بانوان محجبه جهیزیه را رد می کنند چون آنها احساس می کنند که آن یک بار روی دوش عروس و خانواده عروس است که به داماد و خانواده اش هدایای گران قیمت در مهمانی بدهند. هینا خان، ۲۰ ساله، عضو گروه جوانان مسجد اسکاربورو، گفت که در نهایت او فرهنگ پاکستانی را رد می کند. "من باید از فرهنگ اسلامی پیروی کنم."

First-generation teenage Muslims and other members of the younger generation are more confident expressing their individuality than their immigrant parents

were, said Maqbool Aziz, a professor of English at McMaster University in Hamilton. Ms. Khan said some of the **fiercest** reactions to hijab came from her parents -in particular her mother, who does not cover up.

مسلمانان نوجوان نسل اول و دیگر اعضای نسل جوانتر با اعتماد به نفس تر از والدین مهاجرشان فردیت خود را بیان می کنند. مقبول عزیز، استاد انگلیسی در دانشگاه مکمستر در همیلتون می گوید. خانم خان گفت که برخی از واکنش های شدید به حجاب از جانب والدینش بوده - به ویژه مادرش، که اهل حجاب نبود.

Her mother fears her daughter's beliefs will reduce her chances of a successful arranged marriage because her values will be interpreted as **militant** by prospective Pakistani **suitors**. Ms. Khan rejects the concept of a traditional arranged marriage, and firmly believes God will find her a husband. "If Allah has somebody for me, then I will get married." Otherwise, she said, it is not something she worries about."

مادرش میترسد اعتقادات دخترش شانس او را برای یک ازدواج سنتی موفق کاهش می دهد؛ چون ارزش های او توسط خواستگاران آینده پاکستانی به عنوان مبارز تفسیر خواهد شد. خانم خان مفهوم یک ازدواج سنتی را رد می کند و سرسختانه معتقد است که خدا برای او را یک شوهر پیدا خواهد کرد. "اگر خدا برای من کسی را داشته باشد، پس من ازدواج خواهم کرد." در غیر اینصورت، او گفت، چیزی نیست که بخواهد نگرانش باشد.

New word: English explanation / معنی فارسی

Maintaining: act of maintaining; preserving; supporting/ حفظ کردن، نگهداری، ادامه

دادن

Birkenstock: a type of shoe or sandal with a contoured cork-filled sole and a thick leather upper/ صندل چرمی، گیوه

Dictates: state or order authoritatively/ مجبور به پذیرفتن کردن، فرمان دادن، امر و نهی

کردن

Canon law: Christian religious law, ecclesiastical law of the Christian religion/canon law is the law of the Christian church/ قوانین حاکم بر کلیسا، شرعیات،

قوانین شرع

Cloak: loose sleeveless outer garment that fastens at the neck and hangs down the back/ عبا، رداء، جبه، خرقة، در لفافه پیچیدن، پنهان کردن

Puberty: sexual maturity/ سن بلوغ

Weirdo: weird person; creepy and possibly dangerous person/ آدم عجیب و غریب

Municipality: city or district with its own government, city council/ شهردار

Irresistible: impossible to oppose, impossible to resist/ قوی، غیر قابل مقاومت

Census: counting and surveying of the population for official purposes/ سرشماری

Emboldened: make bold, encourage, strengthen/ تشجیع کردن، جسور کردن

Co-religionists: person having the same religion of another/ هم مذهب

Emerging: appear, come out, be revealed/ پدیدار شدن، بیرون آمدن

Designate: intended, marked out for, chosen/ گماشتن، معین کردن

Outer garments: over garment, outer layer of clothing/ لباس بیرون

Devout: a devout person has deep religious beliefs/ مومن، متعصب

Chaste: a chaste person does not have sex with anyone, or only has sex with their husband or wife/ پاکدامن، عقیف، طاهر

Robe: any long loose garment; dress, gown/ لباس بلند و گشاد

Head-dress: covering or decoration for the head/ روسری زنانه

Land in: cause someone to be in a difficult or unwelcome situation/ به دردسر افتادن، گرفتار شدن

Reconstruct: if you reconstruct a building or a town that has been destroyed or badly damaged, you build it again/ از نو ساختن، نوسازی کردن، احیا کردن

Norm: a norm is an official standard or level of achievement that a person or organization is expected to reach or conform to/ حد وسط، هنجار، قاعده، اصل قانونی

Oddity: odd thing; unique thing; unusual happening/ چیز عجیب و غریب

Baggy: if a piece of clothing is baggy, it hangs loosely on your body/ شل، قلبه، باد

کرده

Name-calling: abusive language or insults/ اسم بد گذاشتن رو کسی برای توهین

Burgeoning: if something burgeons, it develops or grows rapidly/ در حال شکوفایی و

رو به رشد

Attribute: if you attribute something to an event or situation, you think that it was caused by that event or situation/ صفت، نشان، جنبه، افتخار

Subsequent: subsequent describes something that happens or exists at a later time than something else/ عواقب

Backlash: a backlash is a sudden, strong reaction against a tendency or development in society or politics / واکنش شدید، پس زنی، عکس العمل سیاسی

Discrimination: discrimination is the ability to recognize and like things that are of good quality/ فرق، فرق گذاری، تبعیض

Prompt: done immediately, without delay / چالاک، سریع، بی درنگ، فوری

Dowry: a woman's dowry is the money or goods which her family give to the man that she marries/ شیر بها

Exclusive: leaving out/ تنها، منحصر، گران، دربست، انحصاری، منحصر بفرد

Fiercest: having or displaying an intense or ferocious aggressiveness/ خشمگین.

تندخو

Suitors: man who courts a woman; one who makes a petition/ خواستگار

Militant: one who has aggressive or combative tendencies/ عصبانی، خشن

New Word	Synonym	Antonym
Fiercest	Ferocious, powerful, strong; wild	
Exclusive	limiting, restrictive	comprehensive, inclusive
Prompt	expeditious, immediate, instant, instantaneous, punctual, quick, swift	delayed, late, tardy
Discrimination	partiality, unequal treatment	
Backlash	rebound, recoiling	
Subsequent	succeeding, following, ensuing	
Attribute	quality, characteristic	
Burgeoning	bloom, blossom; expand	
Baggy	loose, shapeless, ill-fitting	
Norm	Standard, quota	
Reconstruct	rebuild, construct again, recreate, make again	
Chaste	celibate, pure, undefiled, modest, unaffected	

Devout	sincere, pious, religious, reverent	
Designate	show, indicate	

@LinggoLearn